

قوه مقننه و مجریه؛ تعامل و یا تقابل

عبدالرحمن فهیمی

سرمقاله

کابینه در رویاوری پارلمان و حکومت

محمد رضا هویدا

پارلمان روز چهارشنبه خود را با شنیدن برنامه های چهار نامزد وزیر دفاع، حج اوقاف و امور شهدا و معلولین، انکشاف دها، و معارف آغاز کرد.

شیر محمد کریمی، فیض محمد عثمانی، نصیر احمد درانی و زلمی یونس برنامه های خود را تشریح کردند و به سوالات و کلا نیز پاسخ دادند. نکته قابل تامل این بود که وزرا نیز سعی کردند با تواضع به سوالات و کلا پاسخ دهند، اما در ساعات پایانی جلسه پارلمان شماری از وکلا که سوال داشتند، حتا منتظر نشستند تا جواب خود را بشنوند.

روند پرسش و پاسخ ها همانند گذشته بود، چندان تغییری در رویه و کلا به مشاهده نمی رسید.

جز این که این بار وکلا مصوبه ای داشتند که بر اساس آن، به هیج وزیر ی که تابعیت دوگانه داشته باشد رای نمی دهند و حتا آن وزیر را اجازه نمی دهند که به تشریح برنامه های خود بپردازد.

این مصوبه حمایت حلقات وسیعی از مردم را نیز با خود دارد و از جهت اینکه وکلا را نیز از بحث های طولانی و بی انجام باز می دارد نیز، به نظر مردم قابل قبول و ستایش است.

وعده های نامزد وزرا به سنگ های بزرگی می مانند که از همین حالا معلوم است که علامت زدن است.

سوالات شماری از وکلا نیز مبین این موضوع است که گویا همه سنووال ها باید همین حالا پاسخ داده شوند و این که پیش از این مگر این وکلا نمی بایست به دنبال حل همین نارسایی ها و سوالات باشند.

در کل، صحنه پرسش و پاسخ وزرا و وکلا همیشه دیدنی و جالب است برای مردمی که حد اقل برای یک بار بعد از چند سال چوکی های پارلمان را بر از وکلا می بینند و نامزد وزرا را نیز متواضعانه در حال جواب دادن.

اما در پایان روز، اولین اقدام جدی پارلمان، حکومت را با برخوردی کاملا جدی و سخت مواجه ساخته است که باید هر چه زودتر برای آن چاره ای بیاندیشد.

پارلمان می گوید که هفت تن از نامزد وزرا تابعیت دوگانه دارند و این عده حق ندارند برای تشریح برنامه هایشان به پارلمان بیایند.

پیش از این نیز کمیسیون مشترک بررسی اسناد نامزد وزرا، تدابیری را روی دست گرفته بود، از جمله اینکه وزرا بر که هابی را باید امضا کنند که در هر زمانی که ثابت شوند آنها تابعیت دوگانه دارند سلب صلاحیت می شوند.

اگر حکومت با این موضوع متواضعانه برخورد کند و افراد دیگری را به زودی به پارلمان معرفی کند، احتمال رویاوری پارلمان و حکومت کاهش می یابد.

اما از آنجایی که حکومت وحدت ملی پس از صد روز موفق شد تا همین لیست نامزد وزرا را معرفی کند، بعید به نظر می رسد که حکومت بتواند به زودی جواب مثبتی به پارلمان بدهد. اکنون پارلمان و حکومت باری دیگر در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند، و مسئله بر می گردد به اول بحث که صلاحیت نامزد وزرا است.

این موضوع از جهاتی برای مردم افغانستان سنگین است، چرا که حکومت نتوانسته است بعد از صد روز حد اقل کسانی را بیابد که شرایط احراز پست وزرات را داشته باشند. و از طرفی نیز، با حاکم شدن چنین فضایی که مسایل حاشیه ای بیشتر از اصل مسئله به میدان بیایند، توجه به برنامه ها و طرح های نامزد وزرا کمتر می شود.

بهرتر است حکومت هر چه زودتر نامزد وزرای جدیدی را به جای آنهاپی که از لیست خارج شده اند، به پارلمان معرفی کنند، تا جنجال حکومت و پارلمان به پایان برسد. معرفی افرادی که حاشیه هایی همانند تابعیت دوگانه و مشکل در اسناد تابعیت و تحصیلی خود نداشته باشند، پایبندی حکومت را به قانون اساسی و مصوبات شورای ملی نشان می دهد که زمینه همکاری سازنده دو نهاد را نیز می تواند در پی داشته باشد.

تفکیک قوا یکی از «اصول و بایدهای» بنیادین دموکراسی شناخته می شود. برای این که از «تمرکز قدرت» و در نهایت استبداد و خودکامی پیشگیری گردد، قدرت سیاسی به سه بخش مهم تقسیم می شود: قوه قانونگذاری، قوه اجرایی و قوه داور و قضاوت. به گونه ای همه قوه ها بر همدیگر نظارت دارند، اما قوه قانونگذاری، مسوولیت بیشتر جهت نظارت سیاسی دارد. نظام های سیاسی دموکراتیک به صورت های گونه گون در دنیا تجربه می شود. مهمترین و مطرح ترین، دو نوع است: نظام های ریاستی و پارلمانی؛ و یا مخلوط و ترکیبی از هر دو روش که نظام مختلط گفته می شود. در نظام ریاستی، رئیس جمهور از سوی شهروندان به صورت مستقیم برگزیده شده و دارای قدرت و صلاحیت بالایی است. در نظام پارلمانی، نمایندگان پارلمان از سوی شهروندان برگزیده شده و آن ها به نمایندگی از شهروندان، رئیس جمهور را بر می گزینند. در این روش سیاسی، قدرت و صلاحیت اصلی در دست پارلمان و نخست وزیر که رئیس حزب دارای اکثریت در پارلمان است، می باشد. و اما در روش مختلط، با این که رئیس جمهور از سوی شهروندان برگزیده شده و دارای صلاحیت ها و مسوولیت های کلان اجرایی است، ولی پارلمان نیز به علاوه قانونگذاری، صلاحیت های نظارتی سیاسی کلانی دارد که رئیس جمهور ناگزیر نظرش را جست و جو کرده و در تصامیم و سیاست گذاری ها مورد توجه قرار دهد.

در مورد نظام سیاسی افغانستان وفاق نظری میان حقوق دانان

وجود ندارد. از آن جای که رئیس جمهور از سوی شهروندان برگزیده می شود، رئیس هر سه قوه است و به عنوان نخست وزیر نیز صلاحیت های کلان اجرایی را دارد - ساختار و تشکیلات حکومت وحدت ملی استثناء است - برخی بر ریاستی بودن نظام سیاسی تأکید می کنند. اما اگر، نگاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی کرده و صلاحیت های پارلمان را بنگریم، دیده می شود که این نهاد را نیز نباید دست گرفت. زیرا که وزیران، مسوولین ریاست های عمومی امنیت ملی و بانک مرکزی، رئیس و اعضای دادگاه عالی و نیز دادستان کل، باید از پارلمان تأیید شوند. همه این مسوولان نزد پارلمان مسوولیت سیاسی دارند. و نیز، معاهدات بین المللی و میاحت کلان ملی دیگر بایستی از پارلمان رد شوند. بنابراین، نظام سیاسی کشور نه ریاستی کامل و نه پارلمانی کامل است، بلکه ترکیب از هر دو روش است. رئیس جمهور و قوه مجریه با تکه تازی و بدون مطلق نظر، قرار دادن پارلمان نمی تواند، خشتی را بر ساختمان نیمه کاره حکومت داری بگذارد و پارلمان نیز بدون توجه به رئیس جمهور، کاری از پیش برده نمی تواند. پس از اماها و اگرها، فشارهای سیاسی و انتظارات شدید شهروندان، کابینه و اعضای حکومت از سوی رئیس جمهور به پارلمان معرفی گردید. اما پس از معرفی شدن، گزارش های غیر منتظره در مورد نامزدان بخش و نشر گردید. یکی مجرم شناخته شده و مورد پی گرد پولیس بین المللی بوده است، برخی دارای تابعیت مضاعف اند و برخی هم

دارای سند تحصیلی ناقص. روز گذشته، پارلمان هفت تن از نامزد وزیران را رد کرد. این نامزدان، به علت داشتن تابعیت مضاعف از سوی مجلس رد شده و برای آن ها صندوق نیز گذاشته نخواهد شد. این درحالی است که پارلمان پیش از معرفی نامزد وزیران، رد کردن افراد دارای تابعیت مضاعف را تصویب کرده بودند. اگر بگوییم و یا گفته شود که رئیس جمهوری به صورت عمومی سران قوه مجریه، از این تصویب پارلمان بی اطلاع بوده اند، سخن ناصواب و نادرست خواهد بود. پارلمان قبلا چنین بحث را تصویب کرد و بعد از اعلام فهرست و تا معرفی شدن به پارلمان نیز، کپ و گفت های در مورد تابعیت مضاعف برخی از نامزدان نشر شد. پس بی اطلاع نبوده اند. این نکته نشان می دهد که رئیس جمهور به تصویب و تصمیم پارلمان وقتی نهاده و اهمیت نداده است. اگر روحیه پناه دادن وجود می داشت، از معرفی افراد دارای تابعیت مضاعف خود داری



می شد و یا در صورت بی اطلاعی به محض مطلع شدن، نام های افراد که دارای تابعیت مضاعف بوده اند حذف شده و به عوض چهره های دیگری معرفی می شدند. اما این که رئیس جمهور از تصمیم نمایندگان مجلس مطلع بوده و گفت ها در مورد تابعیت مضاعف برخی چهره های معرفی شده را نیز حتما شنیده است، اما همچنان بر معرفی آن ها مصر بوده است، نمی فهم این رفتار را چگونه ارزیابی کرد. نمایندگان مجلس این رفتار رئیس جمهور را گونه ای از توهین و پناه ندادن به خودشان پنداشتند. از سخن های برخی از نمایندگان به خوبی آشکار است که در صد زور آزمایی و نشان دادن ضرب شست به قوه مجریه اند. مسوول کمیسیون امور بین المللی مجلس گفت که وزیران معرفی شده ان شانله که رای نمی آورند. بنابراین، بی توجهی رئیس جمهور به نظریه پارلمان و دل دردی برای نمایندگان، سبب خواهد شد که فرایند تأیید نامزد وزیران به فرصتی جهت زور آزمایی و ضرب شست نشان دادن تبدیل شود. هفت تن از نامزدان به علت داشتن تابعیت مضاعف رد شده اند و شاید برخی از آن ها به علت نداشتن سند تحصیلی نیز رد شوند. از سوی دیگر، نامزدان که از فیلترهای مقدماتی مجلس رد شده اند، ممکن است، در رای دهی رای نگیرند. این وضعیت را تقابل دو قوه می خوانند. وضعیت که انتقام جویی های سیاسی به عوض همکاری می نشیند. تقابل دو قوه، سیاست کشور را به مسیرهای بی راهه ای هدایت می کند و یا در یک مسیر پر پیچ و خم متوقف می کند که یاری رد شدن نباشد. این وضعیت در حالی است که ادارات حکومتی، بی صبرانه در انتظار مدیران ارشد اند. مدیران که صلاحیت های لازم اجرایی را داشته و روند امور اداری نهادها را به حرکت در آورند. به نظر می رسد که در نظام سیاسی دموکراتیک، اصل اولیه

قدرت مخالفان در ضعف حکومتداری

عبدالله هروی

سیاسی و نظامی این فرصت را به طالبان فراهم ساخته بود که با برنامه ریزی و تهاجم گسترده به مراکز و نقاط مختلف کشور که به حال خود رها هستند خود را برای کسب قدرت بیش از پیش نزدیک سازند. ولی برخلاف آن نوعی رکود

است که برخی از رسانه های کشور و نیز مقام های رسمی و امنیتی کشور مدعی هستند که گروه های مسلح جدیدی با پرچم داعش یا دولت اسلامی در برخی از نقاط کشور بخصوص در ولایات جنوبی و شمالی کشور مشاهده شده اند. این

زندن. پنج سال حاکمیت سپاه طالبان نقاب از چهره واقعی آنان کنار زد. نخست این که افکار و تصوراتی باطل گروه یاد شده از آنان برملا گردید. دوم این که شریعت و روش های غیرانسانی تا ذهنیت عموم جامعه افغانی را با خود همسو ساخته یا مخالفت شان را خنثا سازند، و از لحاظ اجتماعی نیز بر عمر قومیت پشتون تکیه نمودند تا عقبه قوی اجتماعی را برای خود بوجود آورند. رویدادهای بعدی از جمله واقعه یازدهم سپتامبر سبب تهاجم نیروهای غربی به افغانستان و سقوط حاکمیت طالبان گردید. برخلاف تصورهای اولیه سقوط طالبان و فرار رهبران آنان هرگز به معنای ختم پروژه طالبان و نابودی آنان نبود. با وجود ادعاهای دهان برکن قدرت های فرامرزی مبنی بر مبارزه با تروریسم و به محاکمه کشاندن ملامعمر و رهبران طالبان به پای میز عدالت با گذشت سیزده سال نه تنها این ادعا تحقق نیافت؛ بلکه در آخرین روزهای سال ۲۰۱۴ باراک اوباما رئیس جمهور امریکا که خود را پرچمدار مبارزه با تروریسم می داند رسما و آشکارا ملامعمر و گروه طالبان را از لیست تهدید و خطر بیرون کشید.

کار تون روز



کشور بیان داشتند که طالبان، اسم خود را به داعش تغییر داده اند. شایعه ظهور گروه داعش و افزایش ناآرامی ها در برخی ولایت های کشور نبود هماهنگی میان نیروهای امنیتی از سوالات اصلی بودند که از سوی اکثر سناتوران از مسوولان امنیتی کشور مطرح شد. اما مقام های امنیتی کشور در این باره گفتند که سرگروه های طالبان در برخی ولایت کشور بیعت شان را از داعش اعلام کرده و آنان صرفا چهره شان را به داعش بدل کرده اند. به گفته آنان نشر گزارش هادرباره ظهور داعش در کشور صرفا جنبه تبلیغاتی و بزرگ نمایی به منظور ترساندن مردم، دارد. مورد دیگر که می توان بدان استناد ورزید این است که از زمان اعلام حکومت جدید طی صدور گذشته که تمامی عرصه های حکومتی و امنیتی بدون مسوول مشخص و در حالت سرپرستی به حال خود رها گردیده اند از یک سوی؛ و اعلام برنامه خروج نیروهای خارجی از کشور از جانب دیگر، از لحاظ

مسئله همراه با تبلیغات رسانه ای که از سوی مخالفین صورت گرفته و متاسفانه برخی از رسانه های داخلی نیز ناخواسته در دام چنان تبلیغاتی گرفتار آمده اند چنین القا می گردد که گویا نزدیک است که وضعیت امنیتی کشور دچار از هم گسیختگی گردیده و سلسله ای دیگر از نبردها و درگیری های خونین با نام دولت اسلامی یا داعش در کشور به راه خواهد افتاد. اما باید گفت متاسفانه مجموعه این مسایل با این که ممکن است بخشی از یک واقعیت باشند اما همه واقعیت نبوده و بیش از اندازه بطور عمد و نیز ناخواسته بزرگ نمایی می کردند. یعنی این که ممکن است در بخش های از کشور گروه های مسلح حضور داشته و دست به ناامنی بزنند، همینطور برخی از این دسته های مسلح ممکن است با پرچم سپاه که علامت گروه چنانیکار داعش نیز هست ظاهر شده باشند، اما توانایی و قدرت آنان بدان اندازه نیست که بتوانند بر وضعیت کلی کشور تاثیر منفی بگذارند. برای این

Footer area containing contact information, social media links, and the 'افغانستان' (Afghanistan) logo with 'The Daily Afghanistan' and 'Outlook' branding.